

# شاهنامه مختاری، یک تجربه ارزشمند

■ داریوش مختاری

Shahnameh-e-Mokhtari,  
a valuable experience

Daryush Mokhtari

اوایل سال ۱۳۸۶ فکر انجام یک کار سنگین و بزرگ به ذهن من خطور کرد، در این باره با بسیاری از دوستان به مشورت پرداختم. از جمله کسانی که با ایشان در این زمینه صحبت کردم، آقای شروه بودند که پیشنهاد تصویرسازی شاهنامه را دادند. البته دیدگاه ایشان بر روی کار تک رنگ بود. به نظرم جالب آمد. در ابتدا با تحقیق و بررسی در زمینه شاهنامه و مروری بر آثار خودم، به این نتیجه رسیدم که محور اصلی کارهای من لوگوتایپ است. پس طراحی نشانه را دستمایه کار قرار دادم. طراحی روی لوگوهای اسامی با پس زمینه‌ای که تبدیل به نشانه شده باشد. اول به سراغ تصویرسازی رستم و سهراب رفتم. وقتی آنها را برای چند تن از دوستان طراح به نمایش گذاشتم، همگی کار را تایید و مرا به ادامه کار تشویق کردند.

پس اسامی شخصیت‌های شاهنامه را از فرهنگ شاهنامه، تدوین آقای فریدون جنیدی، در آوردم و اسامی را تبدیل به نشانه کردم. تا آخر سال حدود سیصد عنوان از شخصیت‌ها کار شد. پس از آن شروع به جمع آوری مطالب و تصاویر کردم. در جستجوهای اینترنتی به دیدگاه‌های زیادی رسیدم. سایتی را از انگلستان پیدا کردم که در شروع با این هدف که ده هزار شاهنامه را جمع آوری و

به نمایش بگذارند شروع به کار کرده، اما تا حالا پانزده هزار نسخه از سرتاسر دنیا با ساختارهای متفاوت به نمایش گذاشته است. اطلاعات زیادی از آن بدست آوردم، مثلاً اینکه در اسپانیا چند نسخه شاهنامه و با چه کیفیتی وجود دارد؟ تصویرسازی آنها به



چه شیوه‌ای است؟ آیا نسخه دستی است یا چاپی؟ همینطور در دیگر کشورهای دنیا. از این طریق توانستم شاهنامه‌های زیادی از چاپ سنگی به دست آورم. چاپ سنگی را محور قرار دادم و به کار کردن بر روی آنها پرداختم.

چاپ سنگی ما به دوره قاجار می‌رسد و نقاشی‌هایی که با این چاپ در دسترس هست فضای قاجاری دارد. در این دوره، نقاشی‌ها برای عامه‌ی مردم تصویرسازی و تکثیر شده و مخاطبین آن از درجه بسیار فرهنگی و فرهیختگی جدا شده و بدست مردم عادی رسیده است. تقریباً می‌توان نقاشی‌های چاپ سنگی را حد فاصل بین نقاشی‌های مینیاتور شاهنامه که مربوط به طبقه فاخر جامعه است، و نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای مربوط به عوام مردم که در قهوه‌خانه‌ها جمع می‌شدند و نقال داستانهای شاهنامه را بازگو می‌کرد، دانست. در این بین طبقه متوسطی بود که توان دسترسی به کتابها را داشت و چاپ سنگی این جامعه را پوشش می‌داد.

خوب، من پس زمینه‌های چاپ سنگی را که مربوط به طبقه متوسط قاجار تا اوایل پهلوی بود، ملاک گرفتم.

در این میان کارهای آقای جابر عناصری، که شامل جمع آوری بسیار زیادی از چاپهای سنگی دوره

قاجار با دسته بندی و

عنوان‌های مختلف می‌باشد، خیلی

به من کمک کرد. بعد کارهای آقای

اوریش، استاد دانشگاه آلمان، که با جستجو در سایت

ایشان را پیدا کردم و متوجه شدم که کتاب آلبوم شاهنامه به زبان فارسی در ایران دارند،

کمک موثری در راه پیشبرد کارهای من بود. این موارد، منابعی بودند که بطور عینی

لمس کردم ولی منابع بسیار زیادی از شاهنامه چاپ سنگی بدست آوردم که براساس آنها

الگو برداری می‌کنم و شخصیت‌های من ساخته می‌شوند. شخصیت رستم یا انوشیروان

من با هیبت و چهره و لباس دوره قاجار مطرح شده که در واقع در این دوره فضای

شاهنامه را با این تخیل می‌دیدند، و شاه را روی صندلی خاص خود و بالاتر و در

مرکز کار قرار می‌داده و بقیه را کوچکتر تصویرسازی می‌کردند. در معماری نقاشی

قهوه‌خانه‌ای نیز، نزدیکی زیادی با نقاشی‌های چاپ سنگی که از مینیاتور ما سرچشمه

گرفته است، دیده می‌شود.

در نهایت کار از نظر چهره پردازی و پوشاک و حرکات به چاپهای سنگی دوره

قاجار نزدیک است ولی در چیدمان و ترکیب بندی حرف امروزی را خواهد زد.

این کار دو مشخصه دارد، ترکیب بندی و ساخت چهره‌ها با نام خود اشخاص.

در خرداد ماه نمایشگاهی با ۸۰ پوستر از شخصیت‌های شاهنامه در خانه هنرمندان

برگزار کردم که طی ۶ ماه انجام شده بود. صد شخصیت دیگر نیز چهره پردازی

و آماده شده و حدود ۴۰۰ عنوان لوگو تایپ طراحی شده است. امیدم این است

که تا آخر سال کل شخصیت پردازی‌ها پایان گیرد و سال ۸۸ شاهنامه را با

ترکیب بندی و کمپوزیسیون جدید ارائه دهم.

این اثر در فضای نرم افزارهای برداری کار شده و حجم شخصیت‌های کار

شده به صورت شیء برداری است که در مجموع یک چهره را می‌سازند. مثلاً

به عنوان نمونه، یکی از چهره‌ها از شصت هزار جزء یا قطعه برداری تشکیل

شده است. کامپیوتر من قوی است ولی در مقابل این حجم محاسبه، طاقت

ندارد. در سال آینده که باید به ترکیب بندی کار پردازم، ممکن است

در یک کادر ده شخصیت گنجانده شود که هر کدام با شصت هزار

جزء برداری، در نهایت ششصد هزار موضوع، محاسبات زیادی را طلب می‌کند که از عهده کامپیوتر من خارج است. فقط یک ابرکامپیوتر از پس چنین محاسباتی برمی‌آید.

در نهایت از ویژگیهای بارز این کتاب، این است که می‌توان شاهنامه را از تک رنگ برای کتابهای ارزان تا بی‌نهایت رنگ به چاپ رساند. مثلاً برای کتابی نفیس سه زبانه، تصاویر از دوازده رنگ چاپ می‌تواند برخوردار باشد، چهار رنگ اصلی، رنگهای متالیک و رنگهای تن‌پلات دیگر.

برای این شاهنامه حامیانی هم اعلام آمادگی کرده‌اند که این کتاب را با کیفیت بالا ارائه دهند.

در آینده می‌توان بعد از چیدمان و ترکیب‌بندی، گزارش مفصلی از روند تولید این اثر ارائه دهیم. ■

